

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درس: سوم عربی: دهم

دبیر: رسول حیدر اہواز_ ناحیہ ۳

ثلاثی مجرد و مزید





هُوَ
كَتَبَ
او
نوشت (ماضی)

سه حرف اصلی: ك - ت - ب
صيغه:
سوم شخص مفرد یا مفرد مذکر غائب

هُوَ
أَنْزَلَ
او فرستاد
(ماضی)

سه حرف اصلی: ن - ز - ل
صيغه:

سوم شخص مفرد یا مفرد مذکر غائب

ثلاثی
مجرد

فعل
ثلاثی

ثلاثی
مزید

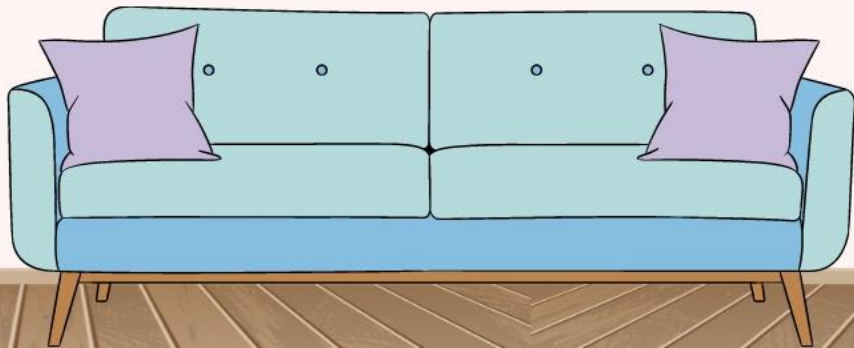


ثلاثی مجرد به معنای تنهاست یعنی فعلی که صیغه ی ماضی آن تنها از سه حرف تشکیل شده است.

هُوَ كَتَبَ هُوَ رَجَعَ هُوَ جَلَسَ

ثلاثی مزید صیغه ماضی آن بیش از سه حرف دارد اما حروف اصلی آن تنها سه حرف است و بقیه حروف، زائد می باشد

هُوَ أَنْزَلَ - هُوَ اسْتَخْدَمَ - هُوَ اشْتَرَكَ



(بابهای ثلاثی مزید)

فایده ی آنها این است که به ما کمک می کنند تا بتوانیم:

1. با استفاده از باب های مزید، از یک ریشه ی 3 حرفی، کلمات متعددی بسازیم و دامنه ی لغات خود را افزایش دهیم.

2. می توانیم با تشخیص وزن کلمه و مجرد و مزید بودن آن، معنای کلمه را بهتر و راحت تر متوجه شویم.

انزَلَ (نازل کرد)

نَزَلَ (نازل شد)

اسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) -

غَفَرَ (آمرزید)



باب های ثلاثی مزید 8 باب (باب اِسْتَفْعَال)

وزن

مصدر (باب)

اِسْتَفْعَال

وزن امر

اِسْتَفْعَلْ

وزن مضارع

يَسْتَفْعِلُ

وزن ماضی

اِسْتَفْعَلَ

اِسْتِخْدَام

اِسْتِخْدِمْ

يَسْتِخْدِمُ

اِسْتِخْدَمَ

اِسْتِخْرَاج

اِسْتِخْرِجْ

يَسْتِخْرِجُ

اِسْتِخْرَجَ



باب های ثلاثی مزید 8 باب (باب اِفْتَعَال)

وزن ماضی وزن مضارع وزن امر وزن مصدر (باب)

اِفْتَعَال

اِفْتَعَلْ

يَفْتَعِلُ

اِفْتَعَلَ

اِسْتَعَالَ

اِسْتَعَلَ

يَسْتَعِلُ

اِسْتَعَلَ

اِعْتَرَفَ

اِعْتَرَفْ

يَعْتَرِفُ

اِعْتَرَفَ



باب های ثلاثی مزید 8 باب

(باب اِنْفِعَال)



وزن
مصدر (باب)

اِنْفِعَال

اِنْفِتَاح

اِنْقِطَاع

وزن امر

اِنْفَعِلْ

اِنْفِتِحْ

اِنْقِطِعْ

وزن مضارع

يَنْفَعِلُ

يَنْفِتِحُ

يَنْقِطِعُ

وزن ماضي

اِنْفَعَلَ

اِنْفَتَحَ

اِنْقَطَعَ



باب های ثلاثی مزید 8 باب (باب تَفَعَّل)

وزن ماضی

تَفَعَّلَ

تَخَرَّجَ

تَشَكَرَ

وزن مضارع

يَتَفَعَّلُ

يَتَخَرَّجُ

يَتَشَكَرُ

وزن امر

تَفَعَّلْ

تَخَرَّجْ

تَشَكَرْ

وزن

مصدر (باب)

تَفَعَّلَ

تَخَرَّجَ

تَشَكَرَ



ویژه رشته
انسانی

با این سه مفهوم آشنا
بشوید.

فعل لازم و مجرد

فعل : کلمه ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته ،
حال یا آینده دلالت دارد

فاعل : انجام دهنده کار یا دارنده حالت است

مفعول : اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می آید و کار بر
آن انجام می شود .



فعل لازم: فعلی که معنای آن با فاعل کامل می شود و به مفعول نیاز ندارد ، فعل لازم نام دارد .

مثال: رَجَعَ جَوَادٌ: جواد برگشت تَجَلَّسَ سَاجِدَةٌ: ساجده می نشیند

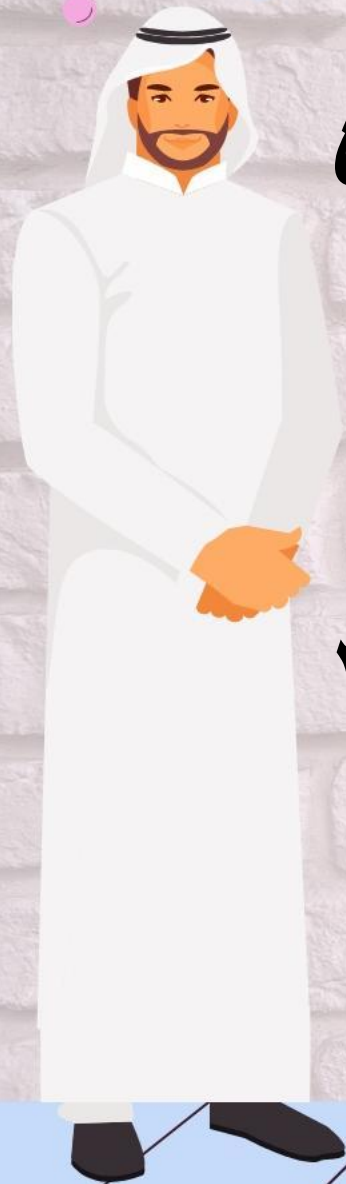
فعل متعدی: به فعلی که معنای آن با فاعل کامل نمی شود و به مفعول نیاز دارد ، فعل متعدی گفته می شود .

مثال: أَرْسَلَ جَوَادٌ رِسَالَةً: جواد نامه ای را فرستاد

يَقْطَعُ النَّجَّارُ الْخَشَبَ: نجار چوب را می برد



شُكْرًا لِحُسْنِ الْإِتِّبَاهِ



اهواز_ ناحیه ۳

دبیر: رسول حیدر

